



دعوت مریلا زارعی برای تماشای فیلم «هناس»

قصه زنانی که در این سرزمین ایستادند و صبوری کردند

«هناس» یکی از ۵ فیلمی است که از چهارشنبه ۱۸ خردادماه در قالب ترکیب تازه آکران به سینماها آمده است. حسین دارابی در دومین تجربه کارگردانی اش پس از «مصلحت»، بخشی از زندگی شهید داریوش رضایی نژاد را از زاویه‌ای متفاوت روایت کرده و قالب ملودرام عاشقانه و خانوادگی را به جای یک فیلم صرفاً سیاسی انتخاب کرده است. فیلم قصه‌ای زنانه دارد و از زاویه دید شهره پیرانی (همسر شهید رضایی نژاد) روایت می‌شود.

گزارش «ایران» درباره چالش‌هایی که کودکان کار با آن دسته و پنجه نرم می‌کنند

کمک نقدی به کودکان کار ممنوع



آرکس عکس ایران

وزارت بهداشت اعلام کرد

کاهش یا ایستایی مرگ‌های ناشی از کرونا در ۲۸ استان کشور

در هفته ۱۲۰ همه‌گیری کرونا در ایران، کاهش یا ایستایی مرگ‌های ناشی از این بیماری در ۲۸ استان کشور را شاهد هستیم. همچنین افزایش مختصر بستری‌های ناشی از کرونا در سه استان گزارش شده است. طبق آخرین نقشه رنگ‌بندی کرونا در کشور که از سوی وزارت بهداشت منتشر شده است، در حال حاضر هیچ شهر قرمز و نارنجی در کشور وجود ندارد و ۱۱۳ شهر در وضعیت زرد و ۳۲۵ شهر در وضعیت آبی هستند. همچنین براساس اعلام وزارت بهداشت، بررسی‌های وضعیت موجود کرونا در کشور در هفته دوم خردادماه ۱۴۰۱ مصادف با هفته ۱۲۰ همه‌گیری نشان می‌دهد که تعداد موارد سرپایی مثبت شناسایی شده، در این هفته ۸۱۰ نفر بوده است. همچنین تعداد موارد بستری جدید در هفته ۱۲۰ همه‌گیری ۱۷۸ نفر و تعداد فوتی‌ها ۲۲ نفر بوده است. در استان تهران نیز تعداد موارد سرپایی مثبت شناسایی شده در این هفته ۳۵ نفر، تعداد موارد بستری جدید ۲۶ نفر و تعداد فوتی‌های جدید ۹ نفر بوده است.

در گفت‌وگو با «ایران» تمهیدات دولت برای بیمه عشایری و کشاورزی و جلوگیری از فقر سالمندی تشریح شد

روستائیان و عشایر هم بازنشسته می‌شوند

مدیرعامل صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستائیان و عشایر با اشاره به اینکه در نبود مقرری بازنشستگی با پدیده فقر سالمندی روبه‌رو خواهیم شد، می‌گوید: برخی افراد در مشاغل آزادی فعالیت دارند که با گذشت عمر

دیگر نمی‌توانند همچون دوران جوانی فعالیت کرده و درآمد داشته باشند و در این میان بیمه اجتماعی و دریافت مستمری در سنین بازنشستگی نقش پررنگی ایفا می‌کند.

صفحه ۲۲ را بخوانید

با پایان فاز نخست رفع تصرفات طبیعت رودخانه کرج

چشم مردم البرز به تماشای رودخانه کرج روشن می‌شود

طرح انتقال آب خزر منتفی شد

احیای خلیج گرگان با پمپاژ آب خزر

رئیس پلیس آگاهی فراجا:

سارقان بانک نخبه و متخصص نبودند

رئیس پلیس آگاهی فراجا همزمان با کشف پرونده سرقت بزرگ از بانک ملی شعبه دانشگاه تهران موضوع ارتباط بین این سرقت و قطع بودن دوربین‌های شهری را تکذیب کرد. سردار محمد قنبری جمعه شب در گفت‌وگویی خبری در این باره گفت: قطع بودن دوربین‌های شهری هیچ ارتباطی به سرقت از صندوق‌های امانات بانک ملی ندارد و از طریق همین دوربین‌ها ما اطلاعات بسیار ارزشمندی از صحنه جرم به دست آوردیم. ما دو صحنه جرم داریم؛ یک صحنه اصلی که داخل بانک بود و یک صحنه مکمل که همکاران ما با کار اطلاعاتی بسیار دقیقی که انجام دادند داده‌های زیادی از طریق سایر دوربین‌ها و سایر قسمت‌ها جمع‌آوری کردند و از طریق تجزیه و تحلیل این داده‌ها و تقاطع‌گیری که بین این داده‌ها و اقداماتی که این سارقان در جاهای مختلف انجام داده بودند، اطلاعات لازم را به دست آوردیم. حتی محل سکونت آنها را از طریق تقاطع‌گیری داده‌ها و از طریق سامانه‌های هوشمند پیدا کردیم.

اینجا از همه شهرک‌های این حوالی عقب‌مانده‌تر است در حالی که اینجا قدیمی‌ترین شهرک این اطراف است. قدیم از شاهد شهر می‌آمدند اینجا درس می‌خواندند اما حالا برای در مانگه شبانه روزی می‌رویم شاهد شهر و مدرسه هم کم داریم. چرا نباید یک در مانگه شبانه روزی داشته باشیم؟ فاضلاب حوالی شهریار هم می‌آید اینجا. بعد از ظهر نمی‌توانید نفس بکشید. این رودخانه «شادچای» سابق است که قبلاً سرریز سد کرج از اینجا در می‌شد ولی الان آبی نیست و همه‌اش شده فاضلاب، لاقلاً بیایند سرش را ببوشانند و زیرش را لایروبی کنند



همراه او به سمت رود می‌روم. بالای پل می‌ایستیم و او موش‌ها را نشانم می‌دهد و جاده خاکی اطراف رود که بارها تقاضا شده آسفالت شود که نشده و همین‌طور تیر برقی که اهالی از نازکی و موقعیت بد آن شکایت دارند: «اینجا مشکل زیاد است ولی مسئولان محلی که برای رای گرفتن التماس می‌کنند همین که به پست و مقام می‌رسند ما را فراموش می‌کنند.»

همین‌طور که حرف می‌زنیم دو پسر جوان که بالای ساختمانی مشغول کپورت‌ریزی هستند ما را زیر نظر می‌گیرند. در کوچه‌های تنگ منتهی به رود قدم می‌زنم. چشمم در مانگه شبانه روزی می‌رویم شاهد شهر کردن هستند. آنها هم نگران بچه‌ها هستند: «اما چند بار از دست موش‌ها شکایت کردیم اما کسی پیگیری نکرد. این رود هم واقعاً بوی بدی دارد.»

در راه برگشت به جاده آدران - شهریار به سمت پل هوایی می‌روم که حالا اسفاده شده است. آنطور که محلی‌ها می‌گویند معتقدان آن را به این روز ناخته‌اند و پله برقی را هم خراب کرده‌اند. پله برقی که برای ساکنان محل نمادی از آرامش برای رفت و آمد بود حالا از کار افتاده و پیرمرد و پیرزن مجبورند برای رفتن به آن سمت خیابان از پله استفاده کنند



می‌زند. از آنها می‌خواهم از مشکلات «ویره» بگویند. سر درددل‌شان باز می‌شود. فروشنده می‌گوید: «گفتیم بیایید جوی‌های آب را درست کنید، نیامدند و ما هم هر روز شاهد عبور و مرور موش‌های بزرگ هستیم. شما عصر بیایید محله را می‌بینید که پر از معتاد است. اینجا دزد و قاچاق فروش هم زیاد است. وقتی بچه‌هایمان می‌آیند در کوچه بازی کنند دائم نگران هستیم.» او از مسئولان محلی و اعضای شورا ناراحت است که بعد از رای گرفتن محله را فراموش می‌کنند. زن دیگری ادامه می‌دهد: «بچه‌های ما یک جای درست و حسابی برای بازی ندارند. یک پارک بود که آن هم معتادها خرابش کردند. تنها خواسته ما این است که همه معتادها را از این محله جمع کنند و قدری از مشکلات ما واقعاً حل کنند.»

همین‌طور که حرف می‌زنیم فرزند کوچک یکی از زن‌ها وارد حرف می‌شود و می‌گوید: «دو هفته پیش آمدند با انبوس معتاد جمع کردند ولی باز هم هستند همین الان پشت دستشویی پارک دیدم کلی آدم نشسته‌اند.» زن فروشنده می‌گوید: «خدا خیرشان بدهد فقط این معتادان را جمع کنند. از هر کوچه رد می‌شوی می‌فهمی کدام مواد فروش است. حرف هم بزنی دشمنی می‌کنند و سر خودت و ماشین و زندگی و بچه‌ها بالا می‌آورند. بیهتان و تهمت می‌زنند... آدم از ترس نمی‌تواند حرف بزند. کاری از دست ما بر نمی‌آید. ما اینجا گیر کرده‌ایم.»

توی کوچه‌ها همسایه‌ها چند نفری ایستاده‌اند با روی تکه حصیری جلوی در خانه نشسته‌اند به حرف زدن، بچه‌ها مشغول توپ بازی یا دنبال هم دویدن هستند و کاری به کار دیوارهای سیاه از آتش معتادان و رفت و آمد مردان دوره گرد ندارند. یکی از مردان که بعد از خرید از سوپرمارکت محل می‌آید با کیسه نانی در دست به سمت خانه می‌رود از مشکلات می‌گوید. او که سال‌هاست از عبدالآباد تهران به این محل آمده و ساکن ویره شده از دزدی‌ها خسته است و معتادان را بزرگترین معضل محله می‌داند: «چند بار آمدند و جمع‌آوری کردند اما باز هم می‌آیند و محله را ناامن می‌کنند. خدایه آقای یاری می‌زند و بیگیر است. وقتی به محله می‌آید همه معتادان فرار می‌کنند اما کاش دائم این پیگیری بود. من خانه‌ام از طرف پل است واقعاً گاهی شب‌ها می‌ترسم از کوچه رود شوم.»

رود کوچک را پی می‌گیرم و به سمت صبا شهر می‌روم. بالای محل در امتداد جاده‌ای که موازی با رود پیش می‌رود پر از خانه‌های ویلایی و باصفاست که با درختان قدیمی و سرسبز تصویر تازه‌ای برانم



عکس‌ها: علی معصومی / ایران



برشی از زندگی روزانه در میانه راه آدران شهریار

غم اهالی «ویره» در ساحل شادچای

محمد معصومیان

گشت وگذار معتادان متجاهر در شهریار دیدن آنها در حال مصرف مواد مخدر در کوچه‌ها یا پشت درخت‌های پارک ساحلی محله «ویره» در صبا شهر تهران اتفاقی روزمره برای ساکنان است. مردانی که از خانه‌ها و مغازه‌ها ده‌لوا دزدی می‌کنند یا بعضی شب‌ها از عابریانی که در آن سوی رود به سمت خانه خود می‌روند خفت‌گیری می‌کنند. جمع‌آوری معتادان و بازداشت مواد فروشان در این محله بزرگترین خواسته مردم است که نمی‌توان مشکلات بهداشتی و رفاهی ساکنان را هم نادیده گرفت. خانواده‌هایی که بیش از همه چیز نگران کودکان خود هستند آنها که سال‌هاست در این وضعیت فراموش شدگی به سر می‌برند و منتظر رسیدگی جدی مسئولان محلی و استانی هستند.

«ویره» که در میانه راه جاده آدران - شهریار است. یک سمت جاده شهید مصطفی خمینی است و سمت دیگر محله‌ای است که آسمان آبی پر از

ابره‌های سفید خامه‌ای شبیه تابلوی نقاشی بالای سرش چشم را خیره می‌کند اما وقتی به اطراف نگاه می‌کنید حجمی از ساختمان‌های آجری و سیمانی می‌بینید که بدون هیچ نظمی کنار هم بالا رفته‌اند. در بهترین جای این محله که می‌توانست محل آرامش مردم باشد حالا آنباشته از نخاله‌های ساختمانی است. خیابان ساحلی ویره با پارکی برای کودکان، نه نشانی از ساحل دارد و نه کودکی که مشغول بازی باشد. تاب و سرسره به همت معتادان اسقاط شده و پارک به ماکتی از پارک تبدیل شده است. چشم که می‌چرخانم می‌شود گعده‌های کوچک آنها را سمت رودخانه دید. مردانی مجاله شده که از دیده شدن می‌گریزند تا با خیال راحت مواد مصرف کنند. انتهای مسیر پارک ساحلی مرکز گذری کاهش آسیب به چشم می‌خورد.

بخشی از حیاط کوچک مرکز را به حمام و سرویس بهداشتی اختصاص داده‌اند. داخل مرکز هم چند مرد سر از بشقاب برنج بر می‌دارند و با چشمانی از حذقه در آمده

نگاهم یکی از مسئولان مرکز که گوشه‌های نشسته از وظایف و کارهایی که برای معتادان می‌کنند، می‌گوید: «ما در رابطه با کاهش آسیب بیماری‌های رفتاری مانند سفلیس، سوزاک، ایدز و هیپاتیت کار می‌کنیم. در واقع بعد از اینکه افراد شناسایی می‌شوند ما به آنها سرویس می‌دهیم. یکی از سرویس‌های ما هم ناهار رایگان، چای، سرویس بهداشتی و استحمام است.»

وارد اتاق خانم روانشناس می‌شویم تا توضیحات بیشتری درباره این محله و اقداماتی که در حال انجام است بشنویم. می‌گوید: «مرکز ما در مکان‌هایی واقع شده‌اند که آسیب خیلی بالا است. ما در اینجا بحث درمان نداریم و فقط روی کاهش آسیب کار می‌کنیم. مثلاً سرنگ می‌دهیم تا مصرف‌کنندگان ایدز و هیپاتیت نگیرند یا اگر تزریقی هستند کمک می‌کنیم بیابند روی متادون درمانی یعنی یک پله فرد را ارتقا می‌دهیم. غذا و حمام و خدمات بهداشتی می‌دهیم یا اگر بیمار باشند ارجاع می‌دهیم به مراکز درمانی. بعضی هم خدا را شکر